

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۳۰، جنگ روحانی، افسسیان ۶: ۱۰-۲۱

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این آخرین سخنرانی او، درس در مورد جنگ معنوی، افسسیان ۱۰: ۶-۲۱ است ۳۰.

به آخرین سخنرانی در مورد درس مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

می‌دانید که در چند سخنرانی گذشته، ما به افسسیان پرداخته‌ایم. و در پایان، افسسیان، کتابی که بخش زیادی از عمرم را صرف مطالعه آن کرده‌ام، فکر می‌کنم خوب باشد که یادداشت خوبی برای من باشد تا به شما یادآوری کنم که در مطالعات افسسیان چقدر پیشرفت کرده‌ایم. سپس، در فصل ۶، از آیه ۱۰ تا پایان کتاب، به بحث در مورد جنگ معنوی خواهیم پرداخت.

وقتی کتاب افسسیان را شروع کردیم، به شما یادآوری کردم که این کتاب خطاب به مسیحیان افسس و مناطق اطراف آن نوشته شده است. توجه شما را به بخش جدایی‌ناپذیری از جهان‌بینی مردم آن زمان، به‌ویژه جهان‌بینی آنها در رابطه با کار موجودات روحانی، جلب کردم. همانطور که ممکن است به یاد داشته باشید، در همان ابتدا به شما یادآوری کردم که حدود ۵۰ معبد بت‌پرستان وجود داشت.

حداقل باستان‌شناسان مدرن به ما کمک کرده‌اند تا بقایای حدود ۵۰ معبد بت‌پرستان را پیدا کنیم که تا زمان نگارش این نامه توسط پولس پابرجا بوده‌اند. مردم آنجا مذهبی بودند. آنجا یک شهر تجاری بود.

و ما مردمی داریم که از جاهای زیادی نقل مکان کرده‌اند. و بنابراین، ترکیب قومی از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده بود. و غیریهودیان می‌توانستند رومی یا یونانی باشند.

وقتی نامه را شروع کردیم، توجه را به این جلب کردم که با توجه به این پیشینه، پولس چگونه با این موضوع برخورد خواهد کرد، با چیزی که من آن را یک دعای نفس‌گیر می‌نامم، همانطور که ممکن است به یاد داشته باشید، متبارک باد خدا، که ما را با هر نعمت معنوی در جای‌های آسمانی برکت داده است. به عبارت دیگر متبارک باد خدا، که ما را تا حدی برکت داده است که به دلیل آنچه خدا انجام داده است، به هیچ نعمت معنوی از هیچ یک از این خدایان در شهر، هیچ یک از قدرت‌های جادویی یا طالع‌بینان نیازی نداریم.

او گفت، خدا ما را برگزید. او گفت، او ما را نجات داد. و ما را با روح القدس مَهر کرد.

پولس در پایان فصل اول، در دعا برای کلیسا، عملاً آن را باز می‌کند و در پایان آن می‌گوید که دعا می‌کند تا آنها تقویت شوند. و یکی از مواردی که او گفت ممکن است تقویت شوند، که به فصل دوم مرتبط است این است که آنها با قدرت خدا تقویت شوند. و اگر آنها از این قدرت آگاه نبودند، این قدرتی بود که در کار بود.

این قدرتی بود که عیسی را از مردگان برخیزانید. این قدرتی است که او را برخیزانید و او را برتر از همه فرمانروایی‌ها و قدرت‌ها قرار داد، به طوری که در پایان فصل ۱، او با استفاده از عبارت «هر نامی که خوانده می‌شود» اعلام کرده است که مسیح برخاسته است و قدرت او از هر قدرت قابل‌تصویری، حتی از جمله قدرت‌های جادویی، فراتر است. اینکه مسیح بر هر قدرت معنوی که در آن زمان قابل‌تصور بود قدرت دارد.

و او آیه ۲۳ در فصل ۱ را با این جمله به پایان رساند که این کار را برای کلیسا انجام داده است. به عبارت دیگر، کلیسا در موقعیت پیروزمندانه‌ای قرار دارد. در فصل ۲، پولس با تکیه بر آنچه که در مورد مسیح گفته بود، مؤمنان را به این سمت سوق می‌دهد تا به آنها تضاد شدیدی بین جایی که آنها به عنوان کافر بودند و جایی که اکنون در مسیح هستند، نشان دهد.

او گفت شما می‌دانید که در گناهان و خطاهایتان مرده بودید. در آن دنیا، شما تحت کنترل نیروهای معنوی، به ویژه فرمانروای قدرت هوا، بودید. شما در واقع از خواسته‌های نفسانی و ذهنی خود پیروی می‌کردید.

شما در مسیر این دنیا بودید و سپس او با آن جمله‌ی بزرگ رفت. اما خدا که به خاطر عشق عظیمش که به ما داشت، در رحمتش غنی است، ما را نجات داد. و همانطور که به وضوح به یاد می‌آورید، شاید من آن آیات را دوست دارم زیرا آنها با من می‌مانند.

آیه ۸، زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید. و این نشان می‌دهد که این کاری نیست که ما بتوانیم انجام دهیم تا مبادا به خود ببالیم. این کاری است که خدا انجام داده است.

و درست مثل اینکه حرفش را تمام کرده باشد، توجه کلیسا را به این واقعیت جلب کرد که به دلیل جایی که خدا ما را از آنجا آورده است، هیچ چیز شایسته‌ای وجود ندارد. ما نمی‌توانیم بگوییم که شایسته چیزی بوده‌ایم. و بنابراین اکنون یهودیان و غیریهودیان باید با هم متحد شوند.

و بنابراین، او سپس از فصل ۲، آیه ۱۱ به بعد، به وحدتی که باید در کلیسا باشد پرداخت. این وحدتی است که مسیح به ارمغان آورده است. این وحدتی است که دیوار تفرقه و دشمنی را فرو ریخته و همه ما را به اعضای خانواده ایمان تبدیل کرده است.

در فصل ۳، او به بیان امتیازی که به او داده شده است، ادامه خواهد داد. این کار بزرگ خدا، یهودیان و غیریهودیان را گرد هم آورد و به او، کوچکترین کوچکترین‌ها، امتیاز اعلام این پیام، راز خدا، داده شده است. به یاد دارید که چگونه او دوباره در آنجا در شفاعت دعا کرد و درباره همه این چیزهای چهاربعدی که درباره آنها صحبت می‌کنیم و آن ستایش بزرگ برای او که قادر است بسیار فراتر از آنچه می‌توانیم تصور یا درک کنیم، انجام دهد، صحبت کرد.

حال، قبل از اینکه توضیح کوتاهی در مورد فصل ۴ بدهم و به جایی که می‌خواهم روی آن تمرکز کنم، بروم همه این کارها را برای شما انجام داده‌ام تا بفهمید که پولس چگونه نقش موجودات معنوی را در فصل‌های تا ۳ ایفا کرده است. این خداست که شما را نجات می‌دهد و بنابراین هیچ قدرت معنوی نمی‌تواند علیه ۱ شما قیام کند. مسیح قدرت‌های معنوی او را شکست داده است. او یهودیان و غیریهودیان را در مسیح عیسی یکی کرده است و به پولس این فیض را داده است که این راز را به بقیه جهان برساند، و این خداست که قادر است بسیار فراتر از آنچه ما می‌توانیم فکر کنیم یا تصور کنیم، برای او انجام دهد، جلال ابدی برای آنچه او برای قومش انجام داده است.

بر این اساس، او فصل ۴ را با «بنابراین» آغاز می‌کند. بنابراین، او اعضا یا خوانندگان را به حفظ وحدت در روح دعوت می‌کند. او از آنها نخواسته است که وحدت را ایجاد یا تقویت کنند.

نه، او می‌گوید که آنها باید مشتاقانه وحدت را حفظ کنند زیرا وحدت از قبل توسط خدا ساخته شده است و کاری که آنها باید انجام دهند این است که آن را دست نخورده نگه دارند. با توجه به همین نکته حفظ آن

وحدت است که به آنها یادآوری کرد که به برخی از آنها هدایای معنوی زیادی برای خدمت داده شده است تا مقدسین را برای کارهای خدمت تجهیز کنند. او می‌تواند به غیریهودیان رو کند و به آنها بگوید که دیگر نباید مانند غیریهودیان رفتار کنید.

تو خاصی. طرز فکر تو عوض کن. رفتارت رو عوض کن.

طوری زندگی کنید که خدا را جلال دهد. طوری زندگی کنید که نشان دهد شما حامل تصویر خدا هستید، و او آنها را در بسیاری از زمینه‌هایی که در چهار سخنرانی گذشته مورد بحث قرار دادیم، به چالش خواهد کشید. گفتار آنها، رفتار جنسی آنها، اخلاق کاری آنها و فضایی که باید در بین آنها توسعه یابد.

در فصل ۵، او مستقیماً بر هویت تأکید می‌کند. آنها فرزندان خدا هستند که محبوبند و باید مانند کسانی که مورد محبت قرار گرفته‌اند زندگی کنند. در اینجا دوباره به وجود معنوی خدا توجه کنید.

روح خدا اینجا در کار است. عیسی مسیح وسیله‌ای است که از طریق آن همه اینها در حال آشکار شدن است. او گفت که آنها نباید با باقی گذاشتن خشم، جایی برای شیطان در قلب خود ایجاد کنند.

او حتی ادامه می‌دهد که آنها نباید با طرز صحبت کردنشان روح القدس را غمگین کنند. بلکه باید مانند فرزندان عزیز و محبوب نور زندگی کنند، فرزندان که عشق واقعی را می‌شناسند و سرشار از قدردانی هستند. او در ادامه می‌گوید، پس مانند نادانان زندگی نکنید، بلکه مانند خردمندان زندگی کنید.

مست شراب مشوید که به هرزگی می‌انجامد، بلکه از روح پر شوید. پر شدن از روح، همه این فضایل را از شما بیرون می‌آورد. به عنوان یک همسر، مطیع شوهران خود باشید.

شوهران، همسران خود را دوست داشته باشید. خود را به آنها بسپارید. اگر واقعاً بدن خود را دوست دارید، آنها را مانند بدن خود دوست داشته باشید.

فرزندان از والدین خود اطاعت می‌کنند. ای والدین، در رفتارتان با فرزندانتان ملایم باشید. بردگان از اربابان خود اطاعت می‌کنند.

اربابان، مراقب باشید که چگونه از بردگان خود مراقبت می‌کنید، زیرا ارباب بزرگتری وجود دارد که همه شما، در برابر او مسئول هستید. و سپس پولس به متنی که ما در حال بررسی آن هستیم می‌رسد. او در این متن، فصل ۶، از آیه ۱۰ شروع می‌کند.

در نهایت، در خداوند و در قدرت او قوی باشید. زره کامل خدا را بپوشید تا بتوانید در برابر نقشه‌های شیطان بایستید. زیرا ما با جسم و خون کشتی نمی‌گیریم، بلکه با فرمانروایان، با اولیای امور، با قدرت‌های کیهانی بر این تاریکی کنونی، و با نیروهای روحانی شر در جاهای آسمانی.

پس زره کامل خدا را بردارید تا بتوانید در روزهای شیرین مقاومت کنید. و پس از انجام همه کارها برای ایستادگی، استوار بایستید، کمربند حقیقت را ببندید، زره پارسایی را مانند کفش به پا کنید، آمادگی انجیل صلح را بپوشید. در هر شرایطی، سپر ایمان را بردارید تا با آن بتوانید تمام شعله‌های مرگ شیران را خاموش کنید.

و کلاه خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست، بردارید و در هر وقت با دعا و تضرع تمام در روح دعا کنید. برای این منظور، هوشیار و پایدار باشید.

برای مقدسین و همچنین برای خودم دعا می‌کنم تا در آغاز، با گشودن دلیرانه دهانم، کلماتی به من عطا شود تا راز انجیل را که سفیر آن در زنجیر هستم، اعلام کنم و بتوانم آن را با دلیری آنطور که باید اعلام کنم. در این جلسه، به طور خلاصه به چند بُعد از جنگ معنوی نگاه می‌کنیم. کاری که پولس در اینجا انجام می‌دهد، شروع با کلام نهایی است.

دارند که ما برای *proratio* الان دارم این را جمع‌بندی می‌کنم. محققان حالا یک کلمه لاتین بزرگ به نام توضیح این موضوع از آن استفاده می‌کنیم. خلاصه‌ای که یک خلاصه قوی برای درک هر چیزی است که او امروز تا به این مرحله گفته است.

تا مردم بتوانند این را انتخاب کنند و با آن کار کنند. به همین دلیل است که من این وقت را صرف کردم تا خلاصه‌ای ارائه دهم تا شما بدانید چه اتفاقی دارد می‌افتد. اگرچه تا زمانی که بگویم بالاخره، ذهن شما خواهد گفت بله، بالاخره.

پولس در نهایت می‌گوید. در نهایت، می‌خواهم چند نکته را درک کنید. شما باید تقویت شوید.

در حالت مجهول قوی باش. در برخی ترجمه‌ها، در خداوند قوی است.

اما قوی بودن در خداوند، آنچه را که اینجا اتفاق می‌افتد، بیان نمی‌کند. قوی باش. برای تقویت شدن تلاش کن.

در خداوند و در قدرت او. این جمع است. بسیار مهم است که بفهمید اینجا چه اتفاقی می‌افتد.

اینجا مسئله‌ی فردی مطرح نیست. به صورت جمعی به عنوان یک کلیسا، در خداوند و در قدرت او قوی باشید.

آیه ۱۱. زره کامل خدا را بپوشید تا بتوانید در برابر نقشه‌های شیطان بایستید.

منظور او این نیست که تمام زره‌های خدا را بپوشیم. بلکه می‌خواهد بگوید که شما باید در درک خود از آنچه برای محافظت نیاز دارید، جامع باشید.

قبلاً، شما می‌گفتید «پوشیدن» از شما می‌خواهد که زره مسئولیت شخصی خدا را بپوشید. او قبلاً از خوانندگان خواسته بود که تقویت شوند. یعنی توسط خدا تقویت شوند.

و اگر خدا آنها را تقویت کرده است، باید برخیزند و زره خدا را بپوشند. و اگر چنین کنند، خواهند توانست. در برابر نقشه‌های شیطان بایستند. در مورد نقشه‌های شیطان فکر کنید.

تا بتوانیم واقعاً بررسی کنیم که چگونه می‌توان این کلمات را ترجمه کرد. زیرا ترجمه‌های مختلفی از این کلمه در انگلیسی استفاده می‌شود. این کلمه نقشه شیطان است.

در واقع، اگر یونانی می‌خوانید، من یک یونانی برایتان گذاشته‌ام. اگر یونانی بخوانید، متوجه می‌شوید که کلمه *method* را از آن گرفته‌ایم. تقریباً شبیه کلمه *method* تقریباً همان کلمه‌ای است که کلمه *schemes* در انگلیسی به نظر می‌رسد.

اما این کلمه در واقع می‌تواند به معنای حيله‌گری ترجمه شود. بنابراین ما می‌توانیم در برابر حيله‌گری‌های شیطان مقاومت کنیم. این کلمه صریح و آشکار نیست.

و این چیزی نیست که اگر قرار است شیطان بیاید، شیطان به شما زنگ بزند و بگوید که من به دیدن شما خواهم آمد. آیا می‌توانید مکانیسم دفاعی را فعال کنید تا من وارد نشوم؟ اگر «نقشه‌های شیطان» به راه‌های حيله‌گرانه «ترجمه شود، همانطور که برخی از ترجمه‌های انگلیسی این حس را منتقل می‌کنند. کلمه» «نقشه‌ها» در اینجا می‌تواند به «ترفند» نیز ترجمه شود».

توانایی او در فریب دادن مردم. این می‌تواند به معنای حيله‌گری یا نیرنگ باشد. یکی از ترجمه‌هایی که من دوست دارم، نوعی فریب است.

معنایی که نوعی فریب را منتقل می‌کند که به شکل استتار یا طعمه به کار می‌رود. پس این خیلی حيله‌گرانه است که می‌توانید وارد شوید و وانمود کنید که این اصل است و با طعمه‌ها کاری کنید که شما را گیر بیندازند. چرا من بیش از حد به این موضوع توجه می‌کنم؟ خب، خوشحالم که این سوال را پرسیدید.

به عنوان نقشه شیطان ترجمه شده است، استفاده کرد ESV خواهد بود. پولس از این زبان که در XYZ

او می‌گوید وقتی شیطان نقشه‌هایش را عملی می‌کند، از راهی که به راحتی بتوانید تشخیص دهید، وارد نمی‌شود. او از روش‌های بسیار ظریف و حيله‌گرانه‌ای استفاده می‌کند به این امید که شما فریب بخورید و تسلیم انتظاراتش شوید. آیه ۱۲ ماهیت این جنگ را شرح می‌دهد.

پولس در ادامه می‌گوید وقتی درباره ماهیت جنگ صحبت می‌کنیم، باید بدانیم که ما با جسم و خون کشتی نمی‌گیریم، بلکه با حاکمان، با صاحبان قدرت، با قدرتهای کیهانی بر این تاریکی کنونی، با نیروهای معنوی شر در جاهای آسمانی می‌جنگیم. بنابراین، در ماهیت این جنگ، باید بدانید که این جنگ، تماس نزدیک بدنی است. کشتی گرفتن.

تصور کنید. من گاهی اوقات سعی کرده‌ام این را تصور کنم. انسان‌هایی مثل شما، مثل من، و به عنوان خوانندگان نامه پولس، در قرن اول می‌بودند.

با موجودات روحانی دارای قدرتهای شیطانی کشتی گرفته است. رو در رو، تن در تن، بازو در بازو. آنها موجودات روحانی هستند.

چطور با این موضوع کنار می‌آیید؟ در واقع منظور پولس این است. فکر نکنید که این یک دشمن دوردست است که به سمت شما تیر پرتاب می‌کند. او نزدیک می‌شود و واقعاً از فاصله بسیار نزدیک با شما برخورد می‌کند.

می‌توانید آن را حس کنید و بو کنید، اما روش او حيله‌گری است. او از خالکوبی‌های استتار استفاده می‌کند. اما فراتر از آن، باید چیزی را هم بدانید.

بله، این یک کشتی است. اما این یک کشتی نیست، فقط اگر فکر می‌کنید، این کشتی علیه انسان‌ها نیست، علیه گوشت و خون نیست. بلکه این کشتی علیه حاکمان، علیه مقامات است، که به قدرتهای معنوی شیطانی در اشکال مختلف اشاره دارد.

این مبارزه‌ای علیه قدرت‌های کیهانی بر سر این تاریکی کنونی است. او پیش از این در مورد کافرانی که در تاریکی زندگی می‌کنند صحبت کرده بود و قبل از اینکه مسیحی شوند، درک آنها تاریک بود. او همچنین بین زندگی در تاریکی و زندگی در نور تمایز قائل شد.

و در اینجا او می‌گوید که این نیروها در قلمرو تاریکی فعال هستند. او مؤمنان را آگاه می‌کند که این یک چیز جدی است که در واقع از نظر دیدن دشمن و حل مسائل، خارج از کنترل آنهاست. اما اگر آنها قبل از پوشیدن زره توسط خدا تقویت شوند، آنگاه پیشرفت خواهند کرد و به نتایج خواهند رسید.

ماهیت جنگ آسان نیست. و در واقع، او حتی اضافه می‌کند که این جنگ علیه نیروهای معنوی شر در مکان‌های آسمانی است. آیه ۱۲ وقتی به این شکل به آن نگاه می‌کنید و می‌گویید که در واقع، به معنای واقعی کلمه، این آزمایش چگونه به نظر می‌رسد، بسیار ترسناک است.

شما با جسم و خون نمی‌جنگید، بلکه با این می‌جنگید: با حاکمان، با صاحبان قدرت، با قدرت‌های کیهانی. حاکم بر این جهان، با این تاریکی کنونی، و با نیروهای معنوی شر در جاهای آسمانی. شما با آنها می‌جنگید. اما سوال این است که این نبرد چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا این نبرد با بستن و از دست دادن صورت می‌گیرد؟ من فرصتی برای انجام کارهای مختلف در کلیساهای پنطیکاستی و غیرفرقه‌ای دارم.

همانطور که شما واجد شرایط هستید، من این فرصت را دارم که در کلیساهای دیگر مانند پرسبیتی، متدیست و دیگران کارهایی انجام دهم. اما اخیراً، بیشتر در کلیساهای غیر فرقه‌ای فعالیت داشته‌ام. به برخی از این کلیساهای که می‌روم، وقتی در مورد جنگ معنوی صحبت می‌کنند، همه چیز الزام‌آور و زیان‌آور است.

من تو را می‌بندم شیطان، تو را می‌بندم. می‌بینی، یک چیز در این متن واضح است. حریف، روحانی است.

در یک نبرد بسیار نزدیک، آنها در قلمروهای آسمانی هستند و در این تاریکی شیطانی قرار دارند. واضح است که آنچه آنها قصد انجام آن را دارند به نفع مؤمن نیست. اما در واقع، نبرد چیزی نیست که شما برخیزید و از نظر معنوی انجام دهید.

بگذارید کمی طرز فکرتان را تغییر دهم. این نبرد با شیوه‌ی زندگی اخلاقی انجام می‌شود. در واقع، پولس پیشنهاد می‌کند که، همانطور که در تمام این مدت تعلیم داده است، جنگ معنوی در سطح اخلاقی انجام می‌شود.

وقتی مردم واقعاً اصول اخلاقی درست مسیحی را اتخاذ می‌کنند، قضاوت‌های اخلاقی عاقلانه‌ای انجام می‌دهند و مطابق با معیارهایی که خدا از قومش انتظار دارد، زندگی می‌کنند. بنابراین، وقتی او می‌گوید، تقویت شوید و زره خدا را بپوشید، بهترین کاری که قرار است انجام دهد این نیست که زره را طوری تعریف کند که انگار وارد می‌شوید و فقط وارد می‌شوید و شروع به بستن و از دست دادن می‌کنید. بیا بیاید این را از آیه ۱۴ بخوانیم.

و همچون کفشی برای پاهایتان، آمادگی انجیل صلح را پوشیده‌اید. در هر شرایطی، باید زره‌ی پارسایی را بر تن کنید. در هر شرایطی، سپر ایمان را بردارید، که با آن می‌توانید شعله‌های آتش شریر، ابلیس، را خاموش کنید. و کلاه خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست، بردارید.

اگر منظور پولس را در اینجا بفهمید، متوجه خواهید شد که وقتی می‌گویید بر کمر بند حقیقت روزه بگیرید، از تصویر سرباز رومی استفاده می‌کند که در آن لباس سرباز رومی، همانطور که قبلاً سعی کردم به شما نشان دهم، هنگام پوشیدن کمی گشاد است، اما کمر بند همه چیز را در کنار هم نگه می‌دارد و حرکت سرباز را آسان می‌کند. برای پولس و مسیحیان، آنچه مسیحیان برای تحرک و جابجایی آسان، توانایی گشتن و انجام

کاری که خدا آنها را به آن فرا می‌خواند، نیاز دارند، حقیقت است. به عبارت دیگر، وقتی تصمیم می‌گیرید حقیقت را بگویید، برای حقیقت بایستید و در کمال مسیحی زندگی کنید، یک بخش از زره را پوشیده‌اید.

آیا در مورد آن فکر کرده‌اید؟ ما اخیراً در یک کنفرانس بودیم و من مجبور شدم به مقاله‌ای در مورد افسسیان ۶ پاسخ دهم. محققان دیگر زمان زیادی را صرف بحث در مورد این کردند که جنگ معنوی تماماً در مورد بستن و باختن و بیرون راندن شیاطین است و این از افسسیان ۶ است. من به چهره همکارانم نگاه می‌کردم زیرا وقتی بلند شدم و گفتم نه، این مربوط به اخلاق است، تعجب کردم. و می‌خواستم سوالی بپرسم که اکنون خواهم پرسید. آیا حقیقت بستن و باختن است؟ آیا می‌دانید که شیطان و یکی از نقشه‌های اصلی او این است که ما را به دروغ گفتن و زندگی در دروغ وادارد؟ اگر پولس اخلاق خود را خلاصه کند، می‌گوید وقتی راستگو هستید، او را زمین می‌زنید.

او می‌تواند با آن کار کند. و بنابراین، حقیقت شما را متحد نگه می‌دارد و به شما این امکان را می‌دهد که به عنوان یک مؤمن به خداوند عیسی مسیح حرکت کنید. زره دومی که او در مورد آن صحبت می‌کند، زره پارسایی است که از بالا، قسمت بالای بدن شما، در برابر دشمن محافظت می‌کند تا نتواند به شما آسیب برساند.

آنچه قلب شما را در مکانی بسیار امن نگه می‌دارد و آسیبی به آن نمی‌رساند، پارسایی است. در فصل ۴ افسسیان، پولس قبلاً گفته بود که ما باید واقعاً از خدا پیروی کنیم. ما باید صفات واقعی خدا را که تقدس و پارسایی است، بپوشیم.

اینجا، بالاخره، او می‌گوید دو چیز هست که می‌خواهم شما به تن کنید، که اینها فضایی هستند که می‌خواهم شما به تن کنید. شماره یک، حقیقت است. شماره دو، درستکاری است.

وقتی راه درستکاری را انتخاب می‌کنی، قلبت را از آلوده شدن محافظت می‌کنی، و قلبت را از آسیب دیدن محافظت می‌کنی، و قلبت را از زخمی شدن محافظت می‌کنی. وای، این عجیب است، درست است؟ من هم وقتی به این موضوع توجه کردم، این را از علما شنیده‌ام. بله، افسسیان می‌گوید ما در نبردی نزدیک با شیطان هستیم، و او این روش را انتخاب می‌کند، که می‌تواند به روش‌های حيله‌گرانه، روش‌های توطئه‌آمیز، استتار و طعمه ترجمه شود.

او از همه اینها در این نبرد نزدیک استفاده می‌کند تا ما را از جایی که خدا می‌خواهد باشیم دور کند. بنابراین چون ما خود را وقف تقویت خدا کرده‌ایم، باید برخیزیم و زره خدا را بپوشیم. و زره خدا چیزی است که ما هر روز می‌پوشیم، زیرا شیطان لحظه‌ای استراحت نمی‌کند.

وقتی او هفت بار سقوط کند، این [سبک/روش / ... مؤثر است. اولین مورد در لیست، حقیقت و درستکاری است. وقتی حقیقت و درستکاری را در جای خود داشته باشیم، دیگران به راحتی شروع به سقوط می‌کنند.

اکنون می‌توانیم به راحتی حرکت کنیم، مانند پوشیدن کفش با انجیل صلح. اشعیا این عبارت را در مورد کسانی که مژده می‌آورند، داشت. باها، چقدر زیبا هستند پاها، یا چقدر دلپذیر هستند پاها، کسانی که مژده می‌آورند.

بنابراین، وقتی ما راه می‌رویم و حرکت می‌کنیم، با انجیل صلح حرکت می‌کنیم و شاهزاده صلح را در نحوه تعامل با مردم واقعی می‌کنیم. این صلح با خدا نیست. به یاد داشته باشید، این در زره است.

این همان چیزی است که برای راه رفتن روی پاهایتان می‌گذارید. در برخوردتان با مردم، انجیل صلح را دارید. هنوز در حال سوختن و از دست دادن نیستید.

بله. و بعد گفت، اگر از سلاح‌های دشمن آگاه نباشی، دشمن این تیرهای مرگ آتشین را دارد که شلیک خواهد کرد. پس سپر را بردار، و سپر مسئولیت شخصی را می‌طلبد.

هنوز دعا و انتظار را شروع نکرده‌ام. سپر ایمان. سپر، این فلز عظیم است که سرباز در دست می‌گیرد تا وقتی دشمن تیر پرتاب می‌کند، با قرار دادن سپر جلوی حرکت تیرها را بگیرد.

و چیزی که باعث می‌شود سرباز با سپر محافظت شود، این است که سرباز آماده باشد تا سپر همیشه در اطراف باشد و شما یک سپر خوب داشته باشید. سپر، سپر ایمان است. این سپر، سپر ایمان به خداست که او پسرش عیسی مسیح را فرستاد تا بیاید و برای شما بمیرد.

این سپر ایمان و اعتماد به زندگی شما در دستان خداست تا تسلیم خواسته‌های شرم‌آور و وسوسه‌هایی که دنیا ارائه می‌دهد نشوید، بلکه به آنچه خدا برای شما دارد پایبند باشید. سپر زمانی است که شما قویاً باور دارید که خدا طرف شماست و همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند علیه ما باشد؟ سپر، پایبندی به آنچه کتاب مقدس می‌گوید با ایمان است تا وقتی شیطان تیر را به سمت شما پرتاب می‌کند، نتوانید نفوذ کنید و شک ایجاد کنید.

آیا به یاد دارید که در انجیل‌ها، عیسی توسط شیطان وسوسه شد؟ آیا متوجه هستید که او چگونه از کتاب مقدس استفاده کرد؟ وقتی می‌گویید که نوشته شده و نوشته شده است. بله، نوشته شده است، و اینگونه بود که در نبرد پیروز شد. سپر ایمان از نفوذ دشمن با تیرهای آتشین محافظت می‌کند.

باید بدانید که این تیرها، تیرهای آسانی نیستند. پولس آنها را به عنوان تیرهای آتشین شیران توصیف کرد. آنها تقریباً با آتش می‌آیند، اما ایمان آن را خاموش خواهد کرد.

بنابراین، ما این ایده دعا کردن و به بند کشیدن و باختن را از کجا آورده‌ایم؟ دلیلش این است که در کتاب اعمال رسولان و جاهای دیگر در خدمت عیسی، مردم با شیاطین روبرو می‌شدند و آنها شیاطین را بیرون می‌کردند. و بنابراین وقتی آنها این کار را انجام می‌دهند و شاگردان برای خدمت مأمور می‌شوند و قدرت خدا را در کار جن‌گیری هنگام دعا می‌بینند، بخشی از روان کلیسای ما می‌شود که وقتی واقعاً در مورد جنگ معنوی صحبت می‌کنیم، ممکن است شخصیت ما مهم نباشد، اما می‌توانیم فقط دعا کنیم و اگر سه ساعت دعا کنیم، شاید چهار یا پنج بار شیطان را به زمین بزنیم و این خوب خواهد بود. نه، نبرد در واقع 24 ساعته و 7 روز هفته ادامه دارد.

پوشیدن زره خدا به معنای برداشتن تمامیت مسیحی مورد نیاز و چیزی است که مانع از ورود شیطان به جسم شما می‌شود. پولس در آیات ۱۸ تا ۲۰، دعا را در جایگاه بسیار مهمی در بحث جنگ معنوی قرار می‌دهد. سپس او شروع به دعا کردن در همه اوقات می‌کند. به عبارت دیگر، دعا یکی از زرها نیست.

دعا، اگر دوست دارید، هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. دعا باید همیشه بخشی از زندگی یک مؤمن باشد، ضمناً همیشه در روح دعا کنیم، که البته شاید اینجا اصلاً به صحبت کردن به زبان‌ها اشاره نداشته باشد، بلکه دعا در قدرت روح القدس با تمام دعا و تضرع است. برای این منظور، در آن روح دعا، هوشیار باشید، با تمام پشتکار هوشیار باشید.

خیلی زود تسلیم نشو. برای مقدسین نیز دعا کن. بنابراین ابتدا برای خودت دعا می‌کنی و همچنین باید برای مقدسین دعا کنی.

همه ما به حمایت دعا نیاز داریم. دعا اختیاری نیست. دعا پشتیبان است، خط حمایت ماست وقتی خدا را صدا می‌زنیم و می‌گوییم، خدایا، ما درست وسط میدان نبرد هستیم و نبرد در جریان است.

بعضی وقت‌ها، اوضاع سخت می‌شود و ما خسته می‌شویم. آیا می‌توانیم پشتیبانی هوایی دریافت کنیم؟ آیا می‌توانیم از این همه پشتیبانی بهره‌مند شویم؟ لطفاً از ما حمایت کنید؟ دعا چیزی است که همیشه بخشی از زندگی ماست. چیزی که همیشه باید به آن پایبند باشیم، اخلاق است.

برای خودتان دعا کنید، برای دیگر مقدسین دعا کنید و پولس می‌گوید، برای ما نیز دعا کنید. ما در این نبرد به دعاها، شما نیاز داریم. برای پولس، جنگ روحانی بسیار واقعی است.

کار شیطان بسیار واقعی است، و با این حال کنار گذاشتن آن بسیار آسان است. به همین دلیل است که او از کلمه دسیسه برای توصیف فعالیت نیروهای شیطانی استفاده کرد. او خواستار دعا است زیرا اگر این دعاها ارائه شود، ممکن است خدا بتواند شجاعت لازم را برای اعلام انجیل، راز انجیل، به او بدهد.

و او می‌گوید، اتفاقاً، من برای همین مأموریت دارم. من سفیر این هدف هستم. بله، او در اخلاق افسسیان خود، با این تصویرسازی قدرتمند از جنگ تن به تن، خلاصه می‌کند.

و او می‌گوید، عجله نکنید که بگویید، من فقط به جلسات دعا می‌روم، و فقط به دنبال شیطان می‌روم، و می‌گویم، نه. صداقت مسیحی، زندگی کردن مانند نور، آوردن میوه نور، تنها چیزی است که اعمال بی‌ثمر تاریکی را خاموش می‌کند. این اعمال بی‌ثمر تاریکی را افشا می‌کند.

سپر ایمان، تمام تیره‌های آتشی را که پرتاب خواهند شد، خاموش خواهد کرد. آیا متوجه هستید که در زمان پولس، مانند امروز، ما نمی‌توانیم یک زندگی مسیحی را انتخاب کنیم که بگوید، اگر فقط به کلیسا بروم و به خانه برگردم، رابطه خوبی با خدا خواهم داشت؟ زندگی مسیحی که می‌گوید، من موظف هستم هفته‌ای یک بار به مراسم عشاء ربانی بروم.

بنابراین، من این کار را برای خشنودی خدا انجام خواهم داد. و مهم نیست که پس از آن چگونه زندگی خواهم کرد. نه، اگرچه همه ما گناهکارانی هستیم که به لطف خدا نجات یافته‌ایم، پولس توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که شیطان در کوچکترین نقطه ضعف زندگی ما به دنبال فرصت است تا به ما نفوذ کند و از ما سوءاستفاده کند.

و به زودی به شما خواهم گفت که هدف او چیست. دلایل او برای همه این کارها، برای این جنگ، این نیست که ما برای به دست آوردن قلمرو می‌جنگیم. یکی دیگر از موارد تحریک‌آمیز زمانی است که من در مورد این موضوع صحبت می‌کنم و می‌گویم، هی، جنگ به معنای خریدن و باختن نیست.

اول، این واکنش را دریافت می‌کنم تا وقتی که حرفم تمام شود. بخش دیگر زمانی است که وارد می‌شوم و می‌گویم، اوه، ما علیه کسی نمی‌جنگیم، ما برای به دست آوردن برخی سرزمین‌ها نمی‌جنگیم، یا ما برخی سرزمین‌ها را از دست نمی‌دهیم. اوه، بله.

زیرا برای پولس، آنچه اتفاق می‌افتد این است. هدف این است: توانایی ایستادگی در برابر نقشه‌های شیطان. کلمه کلیدی در اینجا ایستادگی است.

این عبارت چهار بار در چند آیه اول جنگ ظاهر می‌شود. ما قبلاً این کار را کرده‌ایم؛ مسیح پیروزی را برای ما به ارمغان آورده و ما را در آن جایگاه پیروزمندانه قرار داده است. ما نیازی به فتح قلمرو بیشتری نداریم، اما جایگاه ما در مسیح می‌تواند متزلزل باشد.

هدف شیطان این نیست که قلمرو دیگری را از دست بدهد. هدف او این است که ما را وادار کند جایگاهمان را در مسیح از دست بدهیم. به یاد دارید در فصل ۲، از آیات ۱ تا ۳، عیسی ما را از سلطه‌ی حاکمان قدرت هوا نجات داد.

بنابراین، اگر ما ایستادگی خود را حفظ نکنیم، به سمت آن خم می‌شویم. پولس می‌گوید، زره بپوشید تا بتوانید بایستید و حرکت کنید. بله، قرار نیست قلمرویی به دست آورید، بلکه باید بایستید.

ببینید او دوباره چطور این را بیان می‌کند. آیه ۱۳، برای ایستادگی در روز شر، و پس از انجام همه کارها برای ایستادگی. ما این نبرد را انجام می‌دهیم تا جایگاه ممتاز خود را در مسیح از دست ندهیم.

حالا، من نمی‌گویم، و ایده یا بحث بین کالوینیست‌ها و ارمنی‌ها را مطرح نمی‌کنم، اینکه آیا کسی رستگاری را از دست می‌دهد یا نه، اگر در این نبرد شکست بخورد چه می‌شود، و از نظر اخلاقی ورشکسته شود، آیا رستگاری خود را از دست می‌دهد، و از این قبیل. اگر بخواهم چیزی بگویم، دوست دارم وقتی به بهشت بروم با پولس جای بنوشم. و دوست دارم از او توضیح بخواهم.

اما من کاملاً آگاه هستم که پولس از این بحث در مورد کالوینیسم و آرمینیانیسم خبر نداشت. بنابراین، او ممکن است پرسد، شما مردم چه چیزی را می‌گویید که من نمی‌دانستم گفته‌ام؟ نکته اصلی او در اینجا این است که دشمن واقعی است. پاکی اخلاقی، هوشیاری و فداکاری، زندگی همراه با دعا، برای حفظ جایگاه ما در مسیح بسیار مهم هستند.

و اینکه حتی در روزهای شر، ما قادر خواهیم بود در برابر هر آنچه که او به سمت ما پرتاب می‌کند مقاومت کنیم. و او در ادامه می‌گوید، محکم بایستید، تا متزلزل نشوید. ما دوباره می‌جنگیم، نه علیه خون روسیه، بلکه علیه این شاهزاده‌نشین‌های قدرت تا بتوانیم بایستیم و محکم بایستیم.

آیه ۱۴، چهارمین کاربرد کلمه ایستادگی، با عنوان ایستادگی آغاز می‌شود، بنابراین، ناقوس حقیقت را روزه گرفته‌ایم. بنابراین حتی قبل از اینکه سلاح‌های مورد نیاز و فضایل مورد نیاز برای نمایش را فهرست کند، با کلمه ایستادگی شروع می‌کند. بنابراین، آن ایستادگی را حفظ کنید. برای پولس، این بسیار مهم است.

و اگر این را بفهمید، آنگاه می‌فهمید که او چگونه دعا را در این گفتگو قرار می‌دهد. در همه حال با روح دعا کنید. در همه حال دعا کنید.

با تمام وجود دعا و تضرع کنید. در دعاهایتان هوشیار باشید. برای مقدسین دعا کنید.

برای پولس دعا کنید تا وظایفش را به خوبی انجام دهد. آنگاه است که پولس، که در تمام این مدت کلیسا را تعالی بخشیده و از آنها خواسته است که به این وضعیت به عنوان یک جنگ نگاه کنند، نامه خود را از آیه به این شکل به پایان می‌رساند، تا شما نیز بدانید که من هستم و بدانید که چگونه هستم و چه می‌کنم ۲۱

تیخیکوس، برادر عزیز من و خادم امین در خداوند، همه چیز را به شما خواهد گفت. من او را برای همین نزد شما فرستاده‌ام تا از احوال ما آگاه شوید و دل‌های شما را دلگرم کند. صلح و محبت با ایمان از جانب خدا و خداوند، عیسی مسیح، بر برادران باد.

فیض با همه کسانی باد که خداوند ما، عیسی مسیح، را با عشقی فسادناپذیر دوست دارند. ببینید که چگونه به پایان می‌رسد. به برخی از کلمات کلیدی آنجا نگاه کنید.

مفهوم خویشاوندی را مطرح کنید. برادر عزیزی که خادمی وفادار است. درود بر برادران

پولس در افسسیان زیاد درباره عشق صحبت می‌کند. عشق با ایمان. عشق به خداوند ما، عیسی مسیح

عشق فسادناپذیر. او اینگونه افسسیان را به پایان می‌رساند. و من می‌خواهم در پایان این مجموعه در مورد تپانچه‌های زندانیان، چند نکته اساسی را در مورد افسسیان به شما ارائه دهم.

وقتی به افسسیان فکر می‌کنید، لطفاً به موضوع وحدت فکر کنید که جامعه ایمانی چند قومی در مسیح عیسی یکی شده است. اینکه در مسیح، هیچ تمایزی بین یهودیان و غیریهودیان وجود ندارد.

ما یکی هستیم. این رازی است که به پولس آشکار شد. این راز انجیلی است که او اعلام می‌کند.

در مسیح، مرزهای قومی شکسته شده است. شهروندی به یک هویت برتر تبدیل شده است. رومی‌ها یونانی‌ها و یهودیان اکنون می‌توانند گرد هم آیند و به عنوان اعضای خانواده خدا پذیرفته شوند.

همه ما می‌توانیم در مسیح یکی باشیم. و همه ما، چه در قرن اول و چه اکنون، با این چالش روبرو هستیم که، آن وحدتی را که به ما عطا شده است، حفظ کنیم. نکته بعدی که می‌خواهم در مورد آن فکر کنید. کیهان‌شناسی روح در رساله افسسیان است.

جهان، جهانی صرفاً فیزیکی نیست. جهان بُعدی روحانی نیز دارد. نیروهای شر وجود دارند، و قدرت خدا نیز وجود دارد.

برای یک مؤمن، باید آگاه باشد که نیروهای شر واقعی هستند، اما مسیح آنها را شکست داده است، و او ما را، با قدرت روح القدس مهر و موم کرده است و میراثی را برای ما، مقدسین، تضمین می‌کند. در طول زمان ما با این قدرت‌ها و حکومت‌ها به شدت مبارزه و کشمکش می‌کنیم، اما از آنجا که مسیح همه این کارها را برای ما انجام داده و پیروزی را برای ما به ارمغان آورده است، چیزی برای به دست آوردن وجود ندارد، بلکه همه چیز برای حفظ کردن است. ما در این نبرد معنوی می‌جنگیم تا در آنچه داریم و هر آنچه که در مسیح هستیم، محکم بایستیم و استوار بمانیم.

در این کیهان‌شناسی روحی، مشخص می‌شود که ما در همه حال به خدا نیاز داریم و الگویی را می‌بینیم که در آن خود پولس به خدا دعا می‌کند، خدا را ستایش می‌کند و می‌گوید اگر روح واقعاً ما را پر کند، ما واقعاً به جلو رانده خواهیم شد و نتیجه مؤثر آن این خواهد بود که ما در همه حال سرشار از قدردانی و ستایش خدا خواهیم بود. حتی وقتی به پایان جنگ معنوی رسید و زرها و سلاح‌های مورد نیاز را فهرست کرد ادامه داد که با تمام زندگی ما در هر زمان معین، دعا باید بخشی از آن باشد. به عبارت دیگر، نیاز ما به وجود معنوی برای مداخله و اقدام به نفع ما، یک نیاز دائمی است و ما باید برای حمایت خارجی خود در ارتباط باشیم.

من به عنوان پسر یک جانباز، دوست دارم این را با یک اصطلاح نظامی بیان کنم. ما بیش از آنچه که اغلب فکر می‌کنیم به پشتیبانی هوایی نیاز داریم. ما باید همین الان سیگنال‌ها را فعال نگه داریم.

ما باید تلفن‌ها را فعال نگه داریم. نمی‌توانیم رادیو را قطع کنیم و اگر می‌خواهیم در خطوط مقدم از خود محافظت کنیم، باید تمام عمرمان را روشن نگه داریم. ما به دعا نیاز داریم.

ما به دعا برای خودمان، دعا برای مقدسین نیاز داریم، و پولس می‌گوید دعا برای خودش. به طور خلاصه، امروز می‌توانید به کشیش خود فکر کنید. ما به دعا نیاز داریم.

ما باید در ارتباط باشیم. بله، آن کیهان‌شناسی روحانی اغلب در تفکر غربی ما از مسیحیت از قلم افتاده است، اما اگر این را از دست بدهیم، پولس را از دست داده‌ایم. اگر این را از دست بدهیم، کاری را که خدا به نفع ما انجام می‌دهد و اینکه چگونه می‌توانیم به خدا متصل شویم و واقعاً از خدا قدرت و لطف دریافت کنیم، از دست داده‌ایم.

سومین چیزی که باید به خاطر داشته باشید، خویشاوندی است. ما اعضای خانواده خدا هستیم. خدا پدر است.

عیسی پسر خداست. همه ما فرزندخوانده هستیم و با هم، به چالش کشیده می‌شویم. کلیسا در قرن اول همانطور که اکنون برای ما است، همه به چالش کشیده شده‌اند تا در وحدت زندگی کنند زیرا فرهنگی از شرافت و شرم وجود دارد.

آبروی خانوادگی ما در خطر است. ما باید به شیوه‌ای شایسته‌ی آن رسالتی که دریافت کرده‌ایم زندگی کنیم تا نام خدا را بی‌اعتبار نکنیم. ما در جهان بدون مسیح، آنچه را که خدا به عنوان نماد آن ایستاده است، به سخره نمی‌گیریم.

اگر خویشاوندی را در آن معنای کلان درک کنیم، باید آن را به خانه بیاوریم و مسیح را محور خانه خود قرار دهیم، تا جایی که هر دستورالعمل به هر فرد در خانه با خداوندی مسیح مرتبط باشد. اینکه زنان باید ما را مطیع خداوند کنند. شوهران باید ما را همانطور که خداوند عیسی دوست داشت، دوست داشته باشند.

فرزندان باید از ما در برابر خداوند اطاعت کنند. والدین، در واقع به فرزندان خود در خداوند احترام بگذارید. و از آنها مراقبت کنید. بردگان باید از ما در برابر خداوند اطاعت کنند.

ما را به سوی خداوند هدایت می‌کند. خداوند، در تسلط خود بر خانه‌های ما، در خانه‌ی کوچک ما آشکار می‌شود. ای کاش می‌دانستیم که اعضای خانواده هستیم، آنگاه می‌توانستیم بفهمیم که اختلاف نظر داریم، و با این حال می‌توانستیم صلح کنیم زیرا سرور صلح را داریم.

کسی که دیوارهای خصومت را فرو ریخته است. و در آخر، به مسیح شناسی فکر کنید. به مسیح فکر کنید.

اگر در کتاب مقدس خود در افسسیان زیر مسیح خط می‌کشیدید، از تعداد دفعاتی که مسیح با نام عیسی، مسیح، مسیح یا خداوند ذکر شده است، یا جایی که از او به عنوان «در او» یا «برای او» یاد شده است، متعجب خواهید شد. مسیح همه جا حضور دارد.

بدون مسیح، ما نمی‌توانیم مسیحی باشیم. با مسیح، ما رستگاری داریم. مسیح الگوی رفتاری ماست.

مسیح برای ما بر نیروهای تاریکی پیروز شده است. مسیح تمام خصومت‌های بین قومی را در هم شکسته است. مسیح ما را یکی کرده است.

مسیح پروردگار ماست. می‌خواهم از شما برای همراهی با ما در این مطالعات تشکر کنم. و در واقع، در پایان این مجموعه، می‌خواهم شما را تشویق کنم که در مورد این مسیحی که در موردش صحبت کردم، فکر کنید.

مسیحی بودن یعنی پیرو مسیح بودن. در رساله‌های زندان، نامه پولس را دیدیم. نامه‌ای که او به فیلیپیان نوشت، آنها را به شادی در رنج تشویق می‌کرد.

فیلمون درباره اونیسیموس می‌نویسد و اینکه چگونه باید او را با روح عشق و وحدت پذیرفت. در کولسیان، او کلیسا را تشویق می‌کند تا خود را در برابر آموزه‌های نادرست آماده کند. او چگونه روح وحدت و حمایت را در درون قرار می‌دهد.

و در افسسیان، همانطور که خلاصه کردم. رساله‌های زندان به ما یادآوری می‌کنند که حتی از زندان، قلب پولس در زندان نبود. وقف او به خدا در زندان نبود.

آرزوی او دیدن چیزهای بزرگ در میان قوم خدا، زندان نبود. باشد که خداوند به شما کمک کند و به شما دانش عطا کند. باشد که خداوند به شما قدرت و فیض عطا کند تا همان کسی باشید که او شما را برای آن آفریده است.

باشد که خداوند به شما حس تعلق خاطر بدهد تا این را درک کنید. جایی که مردم نام خداوند را می‌خوانند شما آنجا به خانواده خدا تعلق دارید. باشد که خداوند شما را ببخشد، زمانی که دوران دردناکی را به خاطر عضویت در این خانواده خدا تجربه کرده‌اید.

و باشد که خداوند به شما فیض و قدرت درک این موضوع را عطا کند. بدون او، ما نمی‌توانیم کار زیادی انجام دهیم. و بگذارید دعا و قلبی سپاسگزار همچنان شما را شکل داده و قالب ریزی کند.

باشد که او تمام آن منابع و حتی بیشتر را به شما عطا کند تا با هم، بتوانیم به کمال آنچه خداوند ما را برای آن آفریده است، برسیم. دوباره از شما متشکرم. من شخصاً از اینکه شما تصمیم گرفته‌اید با ما تحصیل کنید، سپاسگزارم.

و امیدوارم این مطلب، دانش شما را در مورد مسیح و معنای مسیحی بودن غنی‌تر کند. متشکرم.

من دکتر دن دارکو در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان هستم. این آخرین سخنرانی او، سخنرانی شماره ۳۰ در مورد جنگ معنوی، افسسیان ۱۰:۶-۲۱ است.